

سیاست‌های کلی رهبر انقلاب چراغ راهنمای مسیر است

آقای پزشک‌یان در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، به تشریح رویکرد دولت خود درباره تعامل با بخش‌های مختلف کشور، شاخصه‌های انتخاب اعضای کابینه و سیاست‌های کلی دولت آینده پرداخت.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب، گفتگویی تفصیلی با رئیس‌جمهور منتخب انجام داده است. آنچه می‌خوانید متن کامل این گفت‌وگو با آقای دکتر مسعود پزشک‌یان است که روز پنج‌شنبه ۴ مردادماه ۱۴۰۳ و سه روز پیش از تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری و آغاز به کار رسمی ایشان انجام شده است.

*** آقای دکتر پزشک‌یان! با توجه به نگاه شما مبنی بر تعامل حداکثری با بخش‌های مختلف کشور برای پیشبرد امور و پیاده‌سازی سیاست‌های کلی نظام و تأکیدی که اخیراً هم رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان داشتند بر همراهی و تعامل مجلس و دولت برای فرایند تعیین کابینه، جناب‌عالی چه برنامه‌ای برای اجرائی کردن این همدلی و تعامل سازنده دارید؟**

* بسم الله الرحمن الرحيم. یکی از اصول صراط مستقیم همان وحدت و انسجام مسلمانان است؛ شما به قرآن نگاه کنید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِإِلَهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ همان چیزی که هر روز در نماز از خدا می‌خواهیم که به صراط مستقیم هدایت شویم؛ این همان «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» است. شما آیات را که نگاه می‌کنید، همیشه توصیه به این است که مسلمانان وحدت داشته باشند و اختلاف «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» است؛ یعنی انسان در لبه پرتگاه و آتش است. الان اگر جایی از کشورمان مشکلات و گرفتاری‌هایی دارد، به خاطر اختلافاتی است که به آن دامن می‌زنیم و افزایش می‌دهیم. باید دست از این اختلافات برداریم. ما نماز را اقامه می‌کنیم؛ «اقامه نماز» یعنی رفتن به طرف صراط مستقیم، یعنی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

برای اینکه ما بتوانیم در معرفی افراد کابینه به مجلس یک چنین

کاری را بکنیم، قدم اول این بود که به تمام جریان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردیم که افراد مورد نظر خودشان را که می‌توانند به دولت کمک بکنند معرفی کنند تا وفاق ملی شکل بگیرد. توسط هر کدام از اینها — چه جریان‌ها اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل، و چه افراد و شخصیت‌های سیاسی — یک فهرست‌هایی ارائه شد و نهایتاً اینها دارد پالایش می‌شود تا به یک جمع‌بندی چهارپنجه‌نفره برای هر جایگاه برسد. در آخر، طبیعتاً خدمت مقام معظم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع‌بندی نهایی خواهیم رسید که اینها را بتوانیم معرفی کنیم.

به هر حال، این جمع‌بندی‌ای که دارد اتفاق می‌افتد حاصل مجموعه‌ی نظراتی است که از کل جریان‌ها و مدیران سیاسی کشور توانسته‌ایم به دست بیاوریم. حالا اینکه چقدر موفق بشویم، دیگر باید صبر کنیم ببینیم کار به کجا خواهد رسید؛ چون این یک تجربه‌ی جدیدی است.

*** جناب آقای دکتر پزشکیان! برآوردتان این است که بعد از تنفیذ و تحلیف، تا چه مدتی کابینه را به مجلس معرفی خواهید کرد؟**

* آن جمع‌بندی‌هایی که گفتم، اگر انجام بشود، هرچه سریع‌تر تلاش خواهیم کرد خدمت رهبر انقلاب برویم و مشورت و هماهنگی نهایی را هم آنجا انجام بدهیم تا نهایتاً فهرستی را که از جمع‌بندی افراد معرفی‌شده توسط جریان‌ها مختلف به دست آمده، انشاءالله با تفاهم و رضایت کامل بتوانیم معرفی کنیم.

* یکی از ویژگی‌های مثبت حضرتعالی که در دوران رقابت‌های انتخاباتی هم این را مردم دیدند، پرهیز از ورود به حواشی و دامن زدن به التهاب و آرام کردن فضا بود، به طوری که دیگران را هم از این مسائل نهی می‌کردید. با توجه به شرایط حال حاضر و اینکه اداره کشور هم نیاز به یک آرامش و پرهیز از التهاب دارد، برنامه و نگاه شما در طول چهار سال پیش‌رو که سکان‌آجرائی کشور را در دست دارید، برای حفظ این آرامش چیست و چه ملاحظاتی در این زمینه دارید؟

* ما سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می‌گفتم این سیاست‌ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می‌کند. بعد از این، برنامه‌ای است که کارشناسان و عُملاً و مدیران و مسئولان ما در جهت آن سیاست‌ها باید بنویسند. طبیعتاً اگر ما این را بپذیریم و قانونی بنویسیم که در جهت

سیاست‌های نظام باشد و خودمان را مسئول اجرای آن بدانیم و بعد بخواهیم در جهت آن حرکت بکنیم، اختلاف و دعوا بی‌معنی است؛ اما اگر من از خودم یک قانونی یا یک جهت‌گیری دیگری را تعریف کنم که در جهت آن سیاست‌ها نباشد — حتی اگر این حرف یا جهت‌گیری‌ای که من می‌خواهم ارائه بدهم خوب هم باشد — هرج‌ومرج می‌شود.

تا زمانی که به یک تصمیم و یک هدف‌گیری نهایی نرسیده باشیم، می‌توانیم سلیق خودمان و افکار خودمان و جهت‌گیری‌های خودمان را داشته باشیم؛ اما وقتی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هرج‌ومرج ایجاد نمی‌کند. من و دولت‌م و همه‌ی قوایی که وجود دارند اگر پایبند به آن سیاست‌ها بودیم و برنامه‌هایی که می‌نویسیم در جهت آن سیاست‌ها باشد، اختلاف یا تفرقه و دعوا کردن بی‌معنی است. اگر هم کسی بگوید یک مسیری بهتر از آن مسیر قانونی هست، آن را هم می‌شود با روش‌های علمی بررسی کرد؛ اگر مشاهدات علمی و مستندات مکتوب دانشگاهی و تجربه‌ی مشخص منطقه‌ای در مورد آن پیشنهاد وجود داشته باشد که نشان دهد بهتر و تجربه‌ی موفق‌تری است، باید ارائه بشود تا بپذیریم؛ حرف حق را باید پذیرفت.

جهت‌گیری کشور باید به سمت هدفی باشد که قرار بود در مملکت موفق بشویم. قرار بود جهل و تبعیض و خلاف را در این مملکت حذف کنیم و یک جامعه‌ی انسانی درست بکنیم. در اقتصاد، قرار بود بهترین باشیم. قرار بود دانشگاه‌های ما الهام‌بخش، نوآور و خلاق باشند. چیزهایی که در سیاست‌های کلّی هست، اهداف بسیار باارزشی است. در نتیجه، هم مجلس، هم دولت، هم قوه قضائیه و نهادهای دیگر و سازمان‌های امنیتی، همه باید دست به دست هم بدهیم تا به آن اهداف سیاست‌های کلّی برسیم. اگر به آن اهداف برسیم، دیگر فقر و بیکاری، جهل و خلاف و دزدی بی‌معنی خواهد شد.

وقتی هدفمان روشن است، این دیگر معنی ندارد که ما با هم دعوا کنیم؛ مگر اینکه شما نظرتان این باشد و بگویید این راه را نرویم و راه دیگری را برویم، که خوب مستند دلیلتان را باید بیاورید که چرا این راه بهتر است؛ آنوقت ما هم می‌پذیریم. اگر بر اساس حرف درست علمی با هم بنشینیم و بحث بکنیم، دیگر اختلاف کردن معنی ندارد.

ما در پزشکی یک بحثی داریم با عنوان «Evidence-based medicine»؛ یعنی «طبابت بر اساس شواهد». فرض کنید من یک استاد تمام دانشگاه

هستم با چهل سال سابقه و موفق هم باشم؛ در این صورت، روش‌هایی را برای معاینه، عمل یا درمان دارم و اجرا می‌کنم. اگر مستندات و تحقیقاتی که امروز شکل گرفته نشان بدهد یک روش‌هایی بهتر از روش من وجود دارد، آن وقت دیگر من نمی‌توانم بیایم بگویم «نه، من خودم تجربه کرده‌ام، این راه بهتر است». سند و دلایل و تحقیقات نشان می‌دهد این راهی که الان تازه به وجود آمده بهتر از راهی است که من می‌گویم؛ آن وقت دیگر من حق ندارم بگویم «نه، من خودم مثلاً استادم، جرّاحم، تجربه دارم، چهل سال است که دارم این کار را می‌کنم و نتیجه گرفته‌ام»؛ دلایل و مستندات جهانی نشان می‌دهد این یکی روش تأثیرگذارتر است، کم‌هزینه‌تر است، باکیفیت‌تر است؛ خوب باید بپذیرم.

تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری در مسائل کشور، فقط مبنا و ابزار علمی دارد. دلیلی ندارد وقتی حرف حقّی آمد، ما نپذیریم. در قرآن آیه‌ای هست که می‌گوید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمْ يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ لَكَ كَذَّبَ الظَّالِمِينَ»؛ آیات خدا را تکذیب کردند، چون علمش را نداشتند، چون تأویل و تفسیرش را نمی‌دانستند. در گذشته هم آنهایی که آیات خدا را تکذیب کردند، همین‌گونه تکذیب کردند؛ و بعد، جالب است که در این آیه می‌گوید نگاه کن عاقبت ظالمان را که چگونه است؛ در حقیقت، یعنی بین عاقبت نپذیرفتن راه درست و حرف حق را، اینکه یک روش و یک مسیر حق را که مستندات نشان می‌دهد این راه درست است، من نپذیرم، ظلم است؛ ظلم به جامعه‌ای است که مسئولیتش را به عهده گرفته‌ام. «إِلَّا لَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عِلَاقَةَ اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ»؛ از همه‌ی انسان‌ها پیمان گرفته‌اند که جز حق، کار دیگری نکنند، «وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ».

* آقای دکتر پزشکیان! یک اشاره‌ای کردید به از بین بردن فقر. می‌خواهم یک سؤال درباره‌ی مسائل اقتصادی بپرسم. شما در دوران رقابت‌های انتخاباتی تأکید زیادی داشتید که حلّ مسائل و معضلات مردم و کشور اولویّت اصلی دولت شما خواهد بود، رهبر انقلاب هم بر این رویکرد مٌهر تأیید زدند و با آن اعلام همراهی کردند. البتّه این مسئله قبل از انتخابات هم مورد تأکید رهبر انقلاب بود و بعد از انتخابات و پیروزی حضرتعالی هم مورد تأکید ایشان قرار گرفت. ایشان بعضی شاخص‌ها و معیارها را عنوان کردند و در دیدار

نمایندگان مجلس هم در نکته هشتمی که معظم^م له درباره معیارهای افراد کابینه فرمودند، از این عبارت استفاده کردند که چه کسی می‌خواهد میدان‌دار شود و میدان‌های اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را به دست بگیرد. برای نیل به این هدف و تشکیل یک دولت کارآمد برای حل مشکلات و مسائل مردم، شما چطور می‌خواهید این معیارها و این نگاه را در کابینه و دولت خودتان پیاده‌سازی بفرمایید؟

* مشکل ما الان در کشور این است که بر اساس ارتباطات دوستی و رفاقت و یا شاخصهای ذهنی خودمان افراد را انتخاب می‌کنیم، ولی از نظر علمی شاخصهایی وجود دارد که شاید در ذهن ما ننگند. ما گفتیم اساتید مدیریت دانشگاهی یک سری شاخصهایی را برای اینکه بتوانیم این آدم‌ها را انتخاب بکنیم دربیاورند؛ یک سری شاخص را درآوردند که حتی ما این شاخصها را اعلام کردیم. بعد، به همه هم گفتیم هر کس نسبت به این شاخصها مشکل دارد، اعلام کند تا اگر کم است، زیاد کند و اگر شاخصی اشکال دارد، حذف شود. بالاخره، یک شاخصهایی را درآورده‌ایم.

البته ما باید دقیق‌تر شاخصها را دربیاوریم که هر کسی نمره داد، تکرارپذیر باشد؛ یعنی این‌جور نباشد که من یک نمره صد بدهم، یکی بیاید نمره صفر بدهد. وقتی یکی صد می‌دهد، یکی صفر می‌دهد، یکی پنجاه می‌دهد، معلوم است هنوز آن اندازه‌گیری‌ها درست نیست که اگر درست باشد، همه باید یک جور نمره بدهند. مثلاً سال‌های خدمت، مثلاً اثرگذاری در کاری که انجام داده، مثلاً پاک‌دستی و نداشتن سابقه سوء؛ اینجا دیگر نمی‌شود کسی را که سابقه نداشته، یکی بگوید دارد، یکی بگوید ندارد؛ باید دلیل بیاورد که هست یا نه. در نتیجه، قدم اول این بود که شاخص دربیاوریم.

بحث دوم این بود که به تمام کنشگران جامعه این شاخصها را اعلام بکنیم و بگوییم شما افرادی را که می‌شناسید، طبق این شاخص به ما معرفی کنید. قدم سوم این بود که این افراد معرفی‌شده را بر اساس شاخصها پالایش کنیم و برایشان نمره بگذاریم؛ و بعد هم وقتی پالایش شد، نهایتاً مشورت و هماهنگی لازم را ما خدمت مقام معظم رهبری انجام بدهیم تا بتوانیم به آن نهایت چیزی که دنبالش هستیم برسیم. اینکه به آن معیارها خواهیم رسید یا نه، هنوز کاملاً مطمئن نیستیم؛ ولی ما تلاشمان را کردیم تا بتوانیم همه نظرات و جریان‌ها را بر اساس این شاخصها بسنجیم و افراد مورد نظر را انتخاب کنیم تا بتوانیم کار را انجام بدهیم.

*** شاخصها و اولویتهای عمومی‌تان برای انتخاب افراد پیشنهادی
کابینه چه مواردی بوده است؟**

* پایبندی به قانون، صداقت، پاکدستی، راست‌گویی، حُسن شهرت، باور به سیاست‌های کلی، باور به قانون برنامه و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. بالاخره فرد اگر پاک‌دست و صادق نباشد — که البته این موارد باز هم نسبی است — نمی‌توان او را انتخاب کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک می‌فرماید: «وَلَيْكَ فِي أَحَبِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»؛ می‌گویندای مالک! وسط حق را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخواهی در آن دقیق و ریزبین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخواهی عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی‌توانی؛ لذا توصیه می‌کنند که شما بروید دنبال «أَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریت در آن باشد. اگر بخواهید حساسیت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی‌کنید.

*** امروز مسئله‌ی اقتصاد و معیشت در صدر مسائل اصلی کشور و مردم است. شما و تیم اقتصادی شما برای اینکه فشار معیشتی را از روی مردم تا حدی کم کنید و وضعیّت سفره‌ی خانوار ایرانی را بهبود دهید، چه اولویتهای و برنامه‌های اصلی و فوری و میان‌مدتی را در نظر دارید؟**

* ببینید! من نسخه‌ی فوری برای یک چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناسها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اوّل رفع اختلافات، دست به دستِ هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر آدم‌های قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی‌کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخواهم حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هر چقدر این اختلافات بیشتر باشد، نابسامانی و هرج‌ومرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه‌حلهای علمی حل مشکلات اجرائی را پیدا کنیم، اوّل باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حلّ معضلات، بین کارشناسان، متخصصین، سیاست‌گذاران، قانون‌نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشید؛ در این صورت، هر روشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند.

ما در کشور ناترازی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸ میلیارد دلار پول می‌دهیم؛ یعنی بنزین را مثلاً حدوداً ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم! خب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه‌ی کل اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست. من به دوستان خودمان می‌گویم چرا همه‌ی چراغ‌های اینجا را روشن می‌کنید یا چرا کولرها را طوری تنظیم می‌کنید که محیط را خیلی خنک کنید. از آن طرف نمی‌توانیم به کارخانه‌هایمان برق بدهیم و از این طرف هر طوری که دلمان می‌خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده می‌کنیم. پس باید اوّل رفتار خودمان را در رابطه با این ناترازی‌هایی که در کشور ایجاد شده اصلاح کنیم. این با همدلی و هماهنگی امکان‌پذیر است. باید بپذیریم اگر برق، گاز، نفت، سوخت و سایر منابع انرژی را همین‌طور بدون حساب‌و‌کتاب هدر بدهیم، به ضرر همه‌ی ما است.

*** پس طبق آنچه شما می‌گویید، برای حلّ ناهماهنگی‌ها، تنش و التهاب خطّ قرمز دولتتان است.**

*** اگر ما با هم هماهنگ باشیم و بپذیریم، به همدیگر کمک می‌کنیم. من اوّل خودمان را گفتم که مقدار برق و گازی که اینجا مصرف می‌کنیم استان‌دارد نیست.**

*** یکی از همکاران شما گفتند چراغ‌های هالوژن این سالن، امروز برای اوّلین بار روشن شده است.**

*** بله، برای اینکه محیطِ اینجا نور دارد. گاهی شما می‌بینید در یک سالن کنفرانس، دو نفر آدم می‌نشینند، با روشناییِ کاملِ برق و سیستم سرمایش یا گرمایش کار می‌کنند! آنها باید از خودشان بپرسند چرا این کار را می‌کنند. این کار از نظر علمی، اقتصادی، مدیریّتی، وضعیت کشور و مملکت، غلط است. وقتی مشکل انرژی و اقتصادی داریم، نمی‌شود اینجا با خیال راحت از برق و گاز استفاده کنیم. برای اینکه بتوانیم به مردم خدمت کنیم، اوّل باید دست به دست هم بدهیم. شعر سعدی بسیار زیبا است:**

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

همه ما در این کشور زندگی می‌کنیم و خیلی‌ها امروز در سختی هستند. من اینجا باید مراعات بکنم تا حدّ اقل یک سهمی هم از منابع به آنها برسد. این چیزی است که باید بپذیریم، دست به دست هم بدهیم و نگذاریم کسانی که در کشور ما زندگی می‌کنند در سختی باشند.

* درست است که طیّ سالیان اخیر، اقتصاد مسئله‌ی اوّل کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست‌گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده است؛ امّا در کنار مسائل مهمّ اقتصادی، مسئله‌ی فرهنگ هم اهمّیّت فوق‌العاده‌ای دارد و رهبر انقلاب در سال‌های اخیر، در کنار اقتصاد، بر مسئله‌ی فرهنگ نیز تأکید داشته‌اند. برای آخرین سؤال می‌خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریت‌های کشور از قبیل اقتصاد، اولویّت‌ها و جهت‌گیری دولت خودتان در حوزه‌ی فرهنگ را چگونه تعریف می‌کنید؟

* ببینید! اصلاً مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ماها که داریم فرهنگ را تبلیغ می‌کنیم. «مَنْ زَمَّ بِنَفْسِهِ لِنَاسٍ اِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِاِلْسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبٌ بِهَا اَحَقُّ بِالْاِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مَوْدِ بِيهِمْ». من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می‌خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیت را به کسی بیاموزم، اوّل باید انسانیت و اخلاق در وجود خودم نهادینه شده باشد. یک آدم بد اخلاق نمی‌تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این‌طور هستی؛ آدمی که رحم در دلش نیست، نمی‌تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. ما نماز که می‌خوانیم، می‌گوییم: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ * الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ این عبارات را هر روز در نماز تکرار می‌کنیم، ولی رحم و مروت در وجود ما نهادینه نیست، برخورد ما با طرف مقابل بر اساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول‌الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) می‌فرماید: «فَیْمَا رَحْمَةً مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِیظًا لَّ نَفَضُوا مِّنْ حَوْلِكَ»؛ این حرف

امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن نیست؛ وحی است. خداوند به رسولش می‌فرماید اگر بداخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی‌شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخص است؛ آن‌وقت دستور می‌دهیم و با بداخلاق‌ی آن را ارائه می‌دهیم! خب مردم این را از ما نمی‌پذیرند. او «لَا مَعْلُومَ نِیْسَتِ حَرْفِیْ کِه مَن مِزْنَمِ دَرَسْتِ اسْتِ یَا غَلَطُ؛ ثَانِیَا وَ قَتِی قِرْآنِ مِیْفِرْمَا یِد «اُدْعُ اِلَی سَبِیْلِ رَبِّکَ بِاَلْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُم بِاَلَّتِی هِیَ اَحْسَنُ»»، پس چرا روش ما به گونه‌ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفر می‌شود؟ «وَ لَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةَ وَ لَا السَّیِّئَةَ اِدْفَاعِ بِاَلَّتِی هِیَ اَحْسَنُ فَالِذَا اَلَّذِی بَیْنَكَ وَ بَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَأَنَّهٗ وَ لَیْ حَمِیمٌ؛ خُوبِی وَ بَدِی مِثْلِ هَم نِیْسَتِ؛ پَاسِخِ بَدِی رَا بَا بَدِی نَمِیْ دَهْنَدُ؛ مِیْ گُویْدِ بَدِی هَا رَا بَا خُوبِی جَوَابِ بَدِیْدِ؛ بَا آدَمِی کِه بَا شَمَا دَشْمَنِ اسْتِ، «وَ لَیْ حَمِیمٌ» بَاشِیْدِ، اَنگَارِ کِه او دُوسْتِ نَزْدِیْکِ وَ صَمِیْمِی شَمَا اسْتِ.

پس در مسئله‌ی فرهنگ، اوّل باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم؛ اوّل به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آنها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه‌ای است که وقتی مردم آن را نگاه می‌کنند، بدشان می‌آید. آن‌وقت چرا باید مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما نکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «دَوَاؤُکَ فِیکَ وَ مَا تَشْعُرُ وَ دَاؤُکَ مِینکَ وَ مَا تُبْصِرُ»؛ دَرْدِ خُودْمَانِیْمِ، دَرْمَانِ هَم خُودْمَانِیْمِ.

* آقای دکتر! اگر اجازه بدهید، من چند کلمه می‌گویم و شما اوّلین چیزهایی که به ذهنتان می‌رسد بفرمایید.

- پرچم؛

* ایران.

- مردم؛

* وفاق.

- قاسم سلیمانی؛

* افتخار، آزادگی و غیرت ایرانی.

* خیلی ممونیم آقای دکتر.

* موفق باشید.